

جراحی تقطیع نهج البلاغه توسط شریف رضی

نهج البلاغه پژوه درباره برخی پرسش‌ها پیرامون تقطیع نهج البلاغه گفت: جواب مشهور این است که شریف رضی از منظر بلاغت به سخنان امیرمؤمنان(ع) ورود کرده است لذا تمرکز بر مباحث دیگر نداشته است و از طرف دیگر تلاش کرده مباحث اختلافی بین شیعه و سنی را رقیق کند.



نهج البلاغه پژوه درباره برخی پرسش‌ها پیرامون تقطیع نهج البلاغه گفت: جواب مشهور این است که شریف رضی از منظر بلاغت به سخنان امیرمؤمنان(ع) ورود کرده است لذا تمرکز بر مباحث دیگر نداشته است و از طرف دیگر تلاش کرده مباحث اختلافی بین شیعه و سنی را رقیق کند.

به گزارش ایکن، حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمد طباطبایی یزدی؛ کارشناس و پژوهشگر نهج البلاغه، ۲۲ شهریورماه در ادامه سلسله نشست‌های پیرامون نهج البلاغه با بیان اینکه اولین پرسش در مورد تقطیع نهج البلاغه که به ذهن می‌رسد این است که چرا این کار انجام شده است، گفت: اگر سخنان امیرمؤمنان(ع) است و مؤلف هم یک فرد عالم شیعه است لذا همه سخنان امام برای ایشان مهم بوده است ولی چرا این تقطیع انجام شده است؛ این سؤال موجه و معقول است؛ در پاسخ به این پرسش جواب هم داده شده است که جواب مشهور این است که شریف رضی از منظر بلاغت به سخنان امیرمؤمنان(ع) ورود کرده است لذا تمرکز بر مباحث دیگر نداشته است.

وی با طرح این پرسش که آیا همه انگیزه ایشان همین بوده است، افزود: شریف رضی در عین اینکه بلاغت و فصاحت مدنظر او بوده است اما در عین حال تلاش کرده است تا مباحث اختلافی بین شیعه و سنی را رقیق کند؛ اگر در قم بعد از انقلاب اسلامی کسی نهج البلاغه را تقطیع کند ولی در بغداد آن زمان و آن شرایط اگر نیت داشت که میراث امیرمؤمنان(ع) را فقط انتقال دهد باید همه سخنان مولا را می‌آورد بنابراین آن چه ایشان دنبال کرده است عمدتاً همین بحث فصاحت و بلاغت است که البته باز قصد داریم بیشتر این مسئله را بررسی کنیم زیرا این سؤال پیش می‌آید که آیا قطعاتی را که رضی بریده و نیاورده است واقعا بلاغت کمتری نسبت به آنچه حفظ کرده است دارد؟ و مگر سخنان امام بالا و پایین دارد؟

طباطبایی یزدی با بیان اینکه مدعیان بلاغت قرآن مدعی نیستند همه آیات قرآن در یک سطح از بلاغت باشند و معتقد به مراتب بلاغت هستند، بنابراین در مورد سخنان امیرمؤمنان(ع) به طریق اولی می‌تواند رخ دهد، تصریح کرد: موضوع دیگر اینکه فقط شریف رضی نیست که کتابی را تقطیع کرده است بلکه تقطیع امری رایج و در مورد آثار فقهی و کلامی و ... هم رخ داده است و این گناه نابخشودنی نیست.

این پژوهشگر و استاد نهج البلاغه با تأکید بر لزوم وجود انسجام در یک کتاب، بیان کرد: انسجام امری عقلایی است مثلاً اگر ما بخواهیم یک کتاب کلامی بنویسیم طبیعتاً درست نیست تا قبل از آن که به بحث توحید و نبوت بپردازیم به بحث امامت و ولایت ورود کنیم؛ زیرا اول باید خدا اثبات شود سپس نبوت و ولایت. البته در رساله منسوب به کسی چون زکریای رازی آمده است که ما خدا را قبول داریم ولی چون عقل داریم نیازی به ارسال رسل نبوده است یعنی ما دیدگاه‌های میانه هم داریم.

طباطبایی یزدی با بیان اینکه انسجام گاهی در محتواست و گاهی در اسلوب ظاهری، اظهار کرد: مثلاً نباید در بخشی از کتاب گفت اجنه از آتش درست شده‌اند و در بخش دیگری بگوییم از خاک؛ آیا انسجام را می‌توان تغییر داد؟ جواب درست است مثلاً انسجامی که رضی در نهج البلاغه ایجاد کرده است انسجامی از سوی خود او بوده است و ممکن است این انسجام در سخنان مولا متفاوت باشد البته وقتی ما بخشی از کلام یک نفر را تقطیع کنیم ممکن است به انسجام حتی محتوایی ضرر برساند و نه صرفاً شکلی. الان در برخی فیلم‌های سینمایی این مسئله مشهود است و به دلایلی بخش‌هایی از یک فیلم تقطیع می‌شود که به فهم محتوای همه فیلم آسیب می‌زند.

نقدی بر سیدرضی

استاد حوزه علمیه اظهار کرد: اگر بخشی از نامه و خطبه تقطیع شده باشد به گونه‌ای که به فهم محتوای همه خطبه و نامه لطمه زده باشد در این صورت کار سیدرضی با همه عنایت و توجهی که به سخنان امیرمؤمنان(ع) داشته است قابل توجیه نیست آن هم به دلیل اینکه بار فصاحت و بلاغت آن کمتر بوده است.

طباطبایی یزدی با اشاره به اینکه برخی گفته‌اند اگر سیدرضی این کتاب را تقطیع نکرده بود و از جنبه بلاغی آن را مورد توجه قرار نداده بود مورد توجه اهل سنت هم قرار نمی‌گرفت، اضافه کرد: در مورد الغدير هم این بحث گفته شده است که اگر نام دیگری انتخاب شده بود اثرگذاری بیشتری داشت؛ در نهج البلاغه هم مثلاً خطبه شقشقیه خیلی چالش برانگیز است زیرا با صراحت در مورد خلفا بحث کرده است؛ ابن ابی الحدید از خشاب، استادش نقل کرده است که مگر چیزی در دل امیرمؤمنان(ع) مانده بود که

در این خطبه نگفته باشند؟ و این در حالی است که ما به صورت مشهور می‌گوییم کسی در بین سخنان امیرمؤمنان(ع) وارد شد و نگذاشتند ایشان مطالبشان را تمام و کمال بفرمایند.

این پژوهشگر نهج البلاغه با بیان اینکه یکی دیگر از دلایل تقطیع می‌تواند مختصر شدن برای جلوگیری از ممل شدن (ملال آور شدن) کتاب است، ادامه داد: در خطبه ۳۵ نهج البلاغه و بعد از ماجرای حکمیت، حضرت امیرمؤمنان(ع) خیلی آه کشیدند و انتقاد کردند؛ فرمودند: من که ناصح شفیق و مهربان هستم و اینقدر نسبت به عواقب امور به شما هشدار دادم ولی شما به حرف من گوش نکردید و کسی که به نصیحت گر گوش ندهد عاقبت بخیر نمی‌شود؛ این خطبه در مروج الذهب و کتب دیگری هم ذکر شده است که کامل تر است. رضی در این خطبه ذم و مذمت ابوموسی اشعری و عمروعاص را حذف کرده است گرچه این دو فرد نمی‌توانسته است آنچنان موجب ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی شود. قاضی نعمان مغربی نامه مالک اشتر در نهج البلاغه را آورده است و گفته است این نامه از سوی پیامبر(ص) به علی(ع) ارسال شده است در حالی که قاضی نعمان در اینجا اشتباه کرده است.

خطبه چالشی نهج البلاغه

استاد حوزه علمیه بیان کرد: یکی از خطبه های چالشی نهج البلاغه خطبه ۸۰ است که بحث نواقص العقول در آن مطرح شده است زیرا نیمی از جمعیت زمین، زنان هستند؛ البته ما چون با وضعیت امروز زن در دنیا مقایسه می‌کنیم چنین چالش هایی ایجاد می‌شود که اینک در مورد آیه واضربوهن (ضرب زنان) تا ۱۵۰ سال قبل هیچ مفسری این آیه را چالش نمی‌دانست و در صد توجیه آن نبود و واقعا معتقد بودند که زن اگر ناشزه باشد باید او را بزنید ولی وقتی اعلامیه جهانی حقوق بشر آمد بحث تغییر کرده است.

طباطبایی یزدی با تاکید بر لزوم تاثیر زمین و زمانه بر فهم این نوع مطالب، افزود: یکی از استادان می‌گفت که خانمی از کانادا چندین ساعت رفته بود تا از استادش بپرسد که چرا حضرت علی(ع) این حرف را زده است؟ حال باید ببینیم که آیا شریف رضی این مطلب را از رسائل کلینی گرفته است یا خیر؟ آیا از طبری و یا دیگری گرفته است؟ ما چه تفسیری باید از این مطلب ارائه دهیم که چالش ایجاد نکند؟

طباطبایی یزدی ادامه داد: برخی از محققان معتقدند که در تقریرهای اولیه واژه نواقص العقول وجود ندارد ولی در تحریرهای ثانوی این قسمت اضافه شده است. جالب اینکه در کتاب سیدالعرب نواقص العقول و الابدان آمده است یعنی ابدان را هم افزوده است و چالش را بیشتر می‌کند.

وی افزود: اولاً شریف رضی این مطلب را در خصائص الاثمه هم آورده و در نهج البلاغه مجدداً تکرار کرده است. بعد سراغ این می‌رویم که رضی یکسری خطب را تقطیع کرده است ولی آیا شده که کاملاً یک خطبه را نیاورد و جواب مثبت است زیرا ما ۲۱ خطبه از جمله خطبه البیان داریم که متن آن نیامده است در حالی که در آثار دیگر به امام منسوب است. یا خطبه الوسيله و خطبه الطنجیه که مضامین عرفانی هم دارد همچنین خطبه الزهرا که البته ربطی به حضرت زهرا(س) ندارد؛ خطبه الاقالیم، خطبه الطالوطیه هم از دیگر خطبی است که در نهج البلاغه نیامده است. همچنین خطبه امیرمؤمنان(ع) که بدون الف است و جزء معجزات امیرمؤمنان(ع) است، نیامده است.

وی در مورد چرایی نیاوردن برخی خطبه ها، افزود: آیا خطبه ایراد داشته است یا سند و محتوای آن مشکل داشته است؟ البته برخی خطب را هم چون رضی در برخی حکمت ها آورده است دیگر آن را در خطبه ذکر نمی‌کند.

انتهای پیام